

3325

۱۰۰۰

۱

۳۰۰

~~۳۰۰~~

۳۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثقل اکبر
از دو منظر اصولی و اخباری

نقل اکبر

از شو منظر :

اصولی و اخباری

تألیف

علیرضا بنی

سبحانی، علیرضا، ۱۳۵۳ -

ثقل اکبر از دو دیدگاه: اصولی و اخباری / تألیف علیرضا سبحانی. - قم: توحید قم، ۱۳۹۵.

ISBN: 978-600-96901-6-9

۳۰۰ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه: ص ۲۸۱-۲۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. قرآن -- بررسی و شناخت. ۲. قرآن - تحقیق. ۳. اصولیه - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. ۴. اخباریه --

دفاعیه‌ها و ردیه‌ها. الف. عنوان.

۲۹۷/۱۵۵

BP ۶۵/۴ / ۲۲ ص ۱۳۹۵

اسم کتاب: ثقل اکبر از دو دیدگاه اصولی و اخباری

مؤلف: علیرضا سبحانی

چاپخانه: مؤسسه امام صادق (ع)

ناشر: توحید قم

تاریخ: ۱۴۳۸/۱۳۹۵ ق

چاپ: اول

تعداد: ۱۰۰۰

مسلسل چاپ اول: ۲۷

مسلسل انتشار: ۳۸

مرکز پخش

قم - میدان شهدا، کتابفروشی توحید

۰۹۱۲۱۵۱۹۲۷۱؛ ۰۲۵-۳۷۷۴۵۴۵۷

www.shia.ir * www.tohid.ir

پیش از مقدمه

محدثان اسلامی از پیامبر گرامی ﷺ نقل کرده‌اند که آن حضرت خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یا علی! انا وأنت أبوا هذه الأمة»^(۱) کنایه از این که هر دو سرپرست امت می‌باشند. این جمله را هنگامی گفت که در بستر بیماری قرار داشت و در آستانه لقاءالله بود و روشن کرد که رهبری امت پس از او با علی است.

واعظی در محفل بزرگی که امیری نیز در آن حضور داشت درباره فضائل امام سخن می‌گفت سپس به نقل این حدیث پرداخت و آن را چنین ترجمه کرد: «علی جان، من و تو پدر و مادر این امت هستیم!» مجلس به پایان رسید و آن امیر در آن مجلس به گوینده سخت پرخاش کرد. گفت در جامعه بشری یک شخصیت (علی علیه السلام) به عنوان «مرد به تمام معنی» شناخته شده است. تو هم او را از جنس اناث معرفی کردی!

بر خلاف آنچه که مادی‌ها می‌گویند تاریخ تکرار نمی‌شود، اتفاقاً نظیر این رخداد در موضوع بحث ما تکرار شده است زیرا در میان تمام کتاب‌های آسمانی تنها کتابی که می‌تواند راهنمای بشریت و معلم حقیقی به شمار رود قرآن مجید است و قرآن بازگوکننده تمام نیازهای انسانی و پاسخ‌گوی آنها است چنان که می‌گوید: ﴿تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^(۲).

۱. قمی، شیخ عباس، «الأنوار الالهية»، ص ۷۷.

۲. نحل: ۶، آیه ۸۹.

مع الوصف گروهی پس از ده قرن به فکر افتاده‌اند که بهره‌گیری از این کتاب آسمانی را تا حدی محدود سازند و فهم بشر را از بهره‌گیری از راهنمایی‌های آن نارسا معرفی کنند، تو گویی انسان می‌تواند از نوشته‌های حکیمان الهی و علمای اخلاق در شناخت سعادت و شقاوت بهره بگیرد اما از این معجزه جاودان نمی‌تواند بهره‌مند شود.

در حقیقت این گروه اخباری مقام و منزلت قرآن را پایین آورده و اعجاز آن را منکر شده‌اند زیرا اعجاز قرآن در گرو فهم معانی ژرف آن است، اگر قرآن برای ما قابل فهم نباشد چگونه می‌تواند معجزه جاودان تا روز رستاخیز باشد.

من در این جا گفتار یکی از مادی‌های قرن چهاردهم را یادآور می‌شوم که درباره قرآن چگونگی قضایات می‌کند و آن شخصیت معروف شبلی شُمیل^(۱) (م ۱۳۳۵هـ) است که مسأله تکامل انزاع را در شرق منتشر کرد و از آن جداً دفاع می‌نمود و جز به عالم ماده به چیزی عقیده‌مند نبود، ولی در عین حال به عظمت پیامبر و قرآن او کاملاً اعتراف می‌کرد.

او در ضمن ایبائی دیدگاه خود را در این مورد اظهار می‌دارد:

۱. دع من محمد فی صدی قرآنه

ما قد نجاه للحمّة الغایات

۲. اَنّی وإنْ کُ قد کفرْتُ بدینه

هل اکفرْتُ بمحکم الآیات

۳. أو ماحوت فی ناصع الألفاظ من

حکم روادع للهوی وعظمت

۴. وشرائع لو أنهم عقلوا بها
ما قیدوا العمران بالعادات؟
۵. نعم المدبر والحكيم وأنه
رب الفصاحة مصطفى الكلمات
۶. رجل الحجي رجل السياسة والدهاء
بطل حليف النصر في الغارات
۷. ببلاغة القرآن قد خلب النهي
وبسيفه انحى على الهامات
۸. من دونه الابطال في كل الوري
من سابق أو غائب أو آت
- ***
۱. «اسرار و رموزی را که محمد ﷺ راجع به عالم غیب و ماوراء الطبیعه در
تار و پود قرآن تعبیه کرده، رهاکن (زیرا ما را ادیان دنیا در این زمینه ناسازگاریم).
۲. گرچه دین محمد ﷺ را بدین سبب باور ندارم ولی هرگز آیات محکم
قرآن را انکار نمی‌کنم.
۳. زیرا مگر قرآن، کلمات و اندرزهای حکیمانه که فرزنی هوا و هوس را از
هم بشکند، در طی الفاظ درخشان خود جای نداده؟
۴. مگر قرآن، برنامه‌های ستوده را که بشر بوسیله پیروی از آنها، بتواند رشته
اوهام عادات را در زندگی خود از هم بگسلد، در مندرجات خود
به ودیعه نهاده؟
۵. محمد ﷺ مرد حکیم و با تدبیر و رب النوع جهان فصاحت بوده که

کلمات بلیغه از قریحه سرشارش تراوش نموده است.

۶. محمد ﷺ فرزانه مرد با دانش و یگانه قهرمان با بینش بوده که همواره در جنگها فیروزمند و در غزوات با نصرت هم آغوش گردیده.

۷. با بلاغت قرآن بر عقول و افکار مردم استیلاء یافته و با شمشیر بران بر سرهای مردان تاخته.

۸. در قرنهای گذشته و عصر کنونی همچون قهرمانی را سراغ نداریم و بلکه در دنیای آینده نیز به پیدایش ماندش هرگز باور نداریم.

میراینده نیز نامه‌ای به مؤلف تفسیر المنار در ستایش اسلام و قرآن نوشته است که خلاصه آن در مجلد ۱۱، المنار، ص ۱۹۶ مندرج می‌باشد.

آنگاه که یک فرد مادی قرآن منزل را چنین توصیف می‌کند آیا شایسته است که ما در باره آن، بسان اخباری‌ها بیندیشیم.

قم - علیرضا سبحانی

۱۳۹۵/۰۸/۳۰ هـ.ش.

ربیعین حسینی ۱۴۳۸ هـ.ق.

مقدمه

□ ظواهر جزء قطعات است

□ نظریه‌های سه‌گانه در حقیقت ظواهر

دیرزمانی است که دانشمندان علم اصول، ظواهر کلام هر متکلمی را، از مقوله ظن دانسته‌اند و از آنجا که نزد آنان اصل در عمل به ظن، حرمت است، بایی را گشوده‌اند تا ثابت کنند که ظواهر از تحت این اصل بیرون است و بر حجیت ظواهر کلام هر شخصی دلایلی اقامه کرده‌اند.

محقق خراسانی پس از آن که اصل در عمل به ظن را حرمت اعلام می‌کند،

می‌گوید:

«إذا عرفت ذلك فما خرج موضوعاً عن تحت هذا الأصل أن قيل بحروجه يذكر

في فصول».

اکنون که آنچه را گفتیم را شناختی چیزهایی که از تحت این ضابطه بیرون

رفته یا این که گفته شده که بیرون رفته است ضمن فصولی بیان می‌شود.

آنگاه فصل اول را به حجیت ظواهر تخصیص داده می‌گوید:

«لا شبهة فی لزوم اتباع ظاهر کلام الشارع فی تعیین مراده فی الجملة

لاستقرار طريقة العقلاء على إتباع الظهورات في تعيين المرادات...»^(۱)

جای تردید نیست که باید در تشخیص مراد شارع از ظاهر کلام او پیروی کرد، زیرا سیره عقلا بر این مستقر است که در تعیین مراد، از ظواهر کلام پیروی می نمایند.

قطع الدلالة بوجوه ظواهر

ما در این مورد نظر خاصی داریم و آن این که اصلاً ظواهر جزء ظنون نیست بلکه جزء قطعیات به شمار می رود. کسانی که ظواهر را جزء ظنون می شمارند بخاطر یک رشته احتمالاتی است که ظواهر را در جرگه ظنون قرار می دهند، مثلاً:

۱. احتمال دارد متکلم در گفتار خود اراده جدی نکرده، بلکه به عنوان هزل و شوخی سخن گفته است.

۲. احتمال دارد متکلم از راه نفیّه سخن گفته است.

۳. احتمال دارد قرینه ای در سخن او بوده که به دست ما نرسیده است و مانند این احتمالات، یادآور می شویم که این احتمالات در نصوص هم هست، در این صورت چگونه یکی را از مقوله ظن و دیگری را از مقوله قطع شمرده اند. از این گذشته، مسئولیتی که بر عهده ظواهر است جز این نیست که مراد استعمالی متکلم را در اختیار مخاطب قرار دهد و فرض این است که ظواهر، این هدف را به نحو احسن اداء می کند، و اما این که گوینده غرض جدی داشته یا نه، توریه کرده است یا نه، قرینه ای بوده افتاده یا نه، تأمین این اهداف بر عهده ظواهر

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، «کفایة الأصول»، ص ۳۲۳-۳۲۴.

نیست تا از این نظر جزء ظنون حساب شود و لذا بهتر این است که ظواهر به همان معنایی که گفته شد، جزء قطعیات به شمار آید و دفع احتمالات گذشته را یک رشته اصول عقلانی بر عهده می‌گیرد، زیرا اصل مسلم نزد عقلاء این است که هر گوینده‌ای به صورت جدی سخن می‌گوید نه شوخی و همچنین اصل، عدم تقیه در گفتار، و عدم وجود قرینه محذوفه در کلام در همه جا حاکم است و در این قسمت فقی بین ظواهر و نصوص نیست.

پیامد ظنی بودن ظواهر

ظنی بودن ظواهر پیامد ناگواری دارد و آن این که سبب می‌شود قرآن مجید که معجزه بزرگ پیامبر اسلام است در شمار معجزات ظنی قرار گیرد، زیرا اعجاز قرآن، در گرو ژرفایی معنا، همراه با زیبایی لفظ است، هرگاه آنچه را انسان از ظواهر قرآن می‌فهمد ظنی باشد طبعاً نتیجه تابع اخس مقدمات خواهد بود، دیگر قرآن نمی‌تواند معجزه قطعی باشد چون محتوای آن برای ما صددرصد روشن نیست و یا متزلزل بودن محتوا چگونه می‌توان گفت قرآن معجزه قطعی است.

به عبارت دیگر اذعان به این که قرآن برتر از کلام بشر است در گرو این است که ما بر معانی قرآن تسلط قطعی داشته باشیم، اگر معاد آن ظنی باشد نمی‌توان آن را دلیل قطعی شمرد.^(۱)

شگفت اینجاست که ولید بن مغیره با صفاء ذهن عربی خود، بلاغت قرآن را خارج از توان بشری دانست، آنگاه که آیاتی از آغاز سوره فصلت را از رسول

اعظم شنید و چنین گفت:

«لقد سمعت من محمدٍ كلاماً لا يشبه كلام الإنس ولا كلام الجن، وأنَّ له
لحلاوة، وأنَّ عليه لطاوة، وأنَّ أسفله لمغدق، وأنَّ أعلاه لمثمر، وهو يعلو ولا
يعلو عليه»^(۱).

«من هم اکنون از محمد سخنی شنیدم که همگون با کلام انس و جن
نیست. او دارای شیرینی خاص همراه با زیبایی ظاهر است، ریشه سخن
او پربار و بالای آن ثمربخش است، او برتر است و چیزی برتر از او
نیست».

با این مقدمه یادآور شدیم که بحث در حجّیت ظواهر فرع این است که آن
را جزء ظنون بدانیم و الاّ با توجه به این مقدمه و پذیرش آن دیگر نیازی به
بررسی نخواهد بود، ولی چون اصولیین ظواهر را جزء ظنون شمرده‌اند ما هم در
بحث از آنان پیروی می‌کنیم.

ممکن است کسی بگوید ظواهر قرآن ظنّ است، امّا ظنّ خاص است که
به دلیل ویژه‌ای از اصل عدم حجّت ظن بیرون آمده است.
این احتمال از دو نظر ضعیف است:

۱. طرف مخالف مطلقاً حجّیت ظواهر قرآن را نفی می‌کند. اعم از ظنّ مطلق
یا ظنّ خاص، بنابراین برای الزام او راهی دیگری باید در نظر گرفت و آن همان
است که ما در این نوشته آن را پیگیری کرده‌ایم.
۲. فرض کنید که ظواهر قرآن جزء ظنّ خاص است ولی ظنّ خاص بودن

۱. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان»، ج ۵، ص ۳۸۷.

ظواهر قرآن، مشکل ظنی شدن اعجاز قرآن را برطرف نمی‌کند، در حالی که معجزه باید امر قطعی باشد، هیچ نوع احتمال خلاف در آن وجود نداشته باشد. ممکن است گفته شود، اگر ظواهر مطلقاً قطعی است، هدف از آوردن روایات، برای اثبات حجّیت ظواهر قرآن چه لزومی دارد.

این اشکال ناشی از آن است که از انگیزه بحث غفلت شده است، زیرا در گذشته یادآور شدیم انگیزه مجاب کردن اخباری‌ها است که ظواهر قرآن را حجّت نمی‌دانند و اما قطعی بودن ظواهر یک مسئله فرعی است که در این جا مطرح شده و ربطی به بحث ما در این کتاب ندارد.

مخالفان حجّیت ظواهر قرآن

کسانی که ظواهر قرآن را حجّت نمی‌دانند و معتقدند نمی‌توان با آیات قرآن بر حکم شرعی استدلال نمود، دو طایفه‌اند:

۱. مکتب اخباری که پایه‌گذار آن محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۵) است. او در کتاب الفوائد المدینه که آن را در سال ۱۰۳۰ هـ در مدینه منوره نوشته است با دلائل گوناگونی حجّیت آیات قرآن را قبل از تفسیر امامان معصوم علیهم‌السلام منوع شمرده است و اصولیون بالاخص محقق خراسانی دلائل شش‌گانه او را در کفایه الاصول آورده^(۱) و به ردّ آنها پرداخته است و ما نیز در آینده درباره آنها گفتگو خواهیم کرد.

۲. مخالف دیگر، محقق قمی است، البته محور اختلاف او خصوص قرآن نیست او می‌گوید ظواهر کلام هر کسی برای فردی که مقصود متکلم است از

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، «کفایه الاصول»، ج ۲، ص ۶۳ - ۶۴.

باب ظن خاص و برای افراد غیر مقصود، از باب ظن مطلق حجت است. او این نظریه را در جلد دوم قوانین در آغاز مبحث اجتهاد و تقلید آورده است.^(۱)

شیخ انصاری نظریه او را این چنین تقریر می‌کند، می‌گوید:

«الفرق بین من قصد إفهامه بالكلام فالظواهر حجة بالنسبة إليه من باب الظن الخاص سواء كان مخاطباً كما في الخطابات الشفاهية أم لا كما في الناظر في الكتب المصنفة لرجوع كل من ينظر إليها، وبين من لم يقصد إفهامه بالخطاب كأمثالنا بالنسبة إلى أخبار الأئمة الصادرة عنهم في مقام الجواب عن سؤال السائلين وبالنسبة إلى الكتاب العزيز بناءً على عدم كون خطابات موجّهة إلينا وعدم كونه من باب التأليف للمصنفين فالظهور اللفظي ليس حجة حينئذٍ لنا إلا من باب الظن المطلق الثابت حجّيته عند انسداد باب العلم».^(۲)

حاصل گفتار این است:

«ظاهر کلام کسی برای مخاطب ویژه او «من قصد» از باب ظن خاص حجت است (ظنی که دلیل بالخصوص بر حجّیت او قائم است). مقصود از «من قصد» گاهی مخاطب شخص است مانند مذاکرات شفاهی، و گاهی عموم افراد است مانند کتاب‌های علمی که برای هر کسی که نظر کند نوشته شده است ولی ظاهر کلام برای کسی که مقصود از خطاب نیست، دلیل بر حجّیت آن بالخصوص نداریم، مانند جواب‌هایی که از امامان در پاسخ پرسش افراد صادر شده است نسبت به دیگران و مانند قرآن بنابر این که خطابات قرآن شامل غائبان و معدومان در زمان خطاب

۱. قمی، ابوالقاسم، «قوانین المحكمة»، ج ۲، ص ۹۰۹-۱۰۰۱.

۲. انصاری، مرتضی، «فرائد الأصول»، ج ۱، ص ۱۶۰.

نیست و نیز بر فرض این که قرآن از قبیل تصنیف مصنفان و مؤلفان نیست، در این صورت ظهور این نوع کلام‌ها برای دیگران از باب ظن مطلق به دلیل انسداد، حجت است.

به ریشه‌های اختلاف اشاره شد، و ما در فصول آینده پیرامون این نظریه‌ها گفتگو خواهیم نمود و در آخر رساله نظریه امامان معصوم علیهم‌السلام را از روایات آنان استخراج خواهیم کرد و این فصل از فصول مهم این اثر و به اصطلاح بیت‌القصید آن است.